نکاتی در مورد سهام بورس اوراق بهادار

علی‌اصغر پورعسگری *

شرکتها برای عضویت در بورس باید شرایط آن را داشته باشند نظیر اینکه باید شرکت سهامی عام باشند. یکی از اهداف مهم خریداران سهام، سهیم شدن در سود شرکت است. سهامدارانی که در یک شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند انتظار دارند شرکتها هنگام انتشار سهام جدید، ابتدا به آنها اطلاع دهند. سهامدارانی که سهام یک شرکت را خریداری می‌کنند یکسری حقوق غیرمالی را نیز به دست می‌آورند که عبارت‌اند از حق رأی، حق واگذاری سهام، حق اطلاع. سهامداران نسبت به شرکتی که سهام آن را خریداری می‌کنند هیچ تعهدی ندارند به جز اینکه مبلغ اسمی سهام خریداری شده را پرداخت کنند. اوراق قرضه منتشر شده شرکتها باید دارای یکسری شرایط باشند که خریداران با این شرایط اوراق را خریداری کنند و این شرایط شامل: قابلیت نقدینگی، تعداد سهام در دست عموم، ترکیب سهامداران، نسبت سودآوری، ثبات نسبی سودآوری و ارزش ویژه هر سهم است.

واژه‌های کلیدی: بورس اوراق بهادار، سهام.

۱. تاریخچه بورس اوراق بهادار

بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۴۶ تأسیس شد. این سازمان از ۱۵ بهمن ۱۳۴۶ فعالیت خود را با انجام چند معامله روی سهام بانک توسعه صنعت و معدن آغاز کرد. در پی آن شرکت نفت پارس، اوراق قرضه دولتی، اسناد خزانه، اوراق قرضه سازمان گسترش مالکیت صنعتی و اوراق قرضه عباس‌آباد به بورس تهران راه یافتند. اعطای معافیتهای مالیاتی شرکتها و مؤسسه‌های پذیرفته شده در بورس در ایجاد انگیزه برای عرضه سهام آنها نقش مهمی داشته است. طی ۱۱ سال فعالیت بورس تا پیش از انقلاب اسلامی در ایران تعداد شرکتها و بانک‌ها و شرکتهای پذیرفته شده از شش بنگاه اقتصادی با ۶/۲ میلیارد ریال سرمایه در سال ۱۳۴۶ به ۱۰۵ بنگاه با بیش از ۲۳۰ میلیارد ریال سرمایه در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت. همچنین ارزش مبادلات در بورس از ۱۵ میلیون ریال درسال ۱۳۴۶ به بیش از ۱۵۰ میلیارد ریال سرمایه درسال ۱۳۵۷ افزایش پیدا کرد. در سالهای پس از انقلاب اسلامی و تا پیش از نخستین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، دگرگونی‌های قابل‌توجهی در اقتصاد ملی پدید آمد که بورس اوراق بهادار تهران را نیز در برگرفت. نخستین رویداد، تصویب لایحه قانون اداره

* کارشناس ارشد مدیریت مالی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

امور بانکها در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۵۸ توسط شورای انقلاب بود که به موجب آن بانکهای تجاری و تخصصی کشور در چارچوب ُنه بانک که در واقع شش بانک تجاری و سه بانک تخصصی بود ادغام و ملی شدند. پس از مدتی و در پی آن شرکتهای بیمه نیز در یکدیگر ادغام شده و به مالکیت دولت درآمدند و همچنین تصویب قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران در تیر ۱۳۵۸ موجب شد تعداد بیشتری از بنگاههای اقتصادی پذیرفته شده در بورس از آن خارج شوند. به طوری که تعداد آنها از ۱۰۵ شرکت و مؤسسه اقتصادی درسال ۱۳۵۷ به ۵۶ شرکت در پایان سال ۱۳۶۷ کاهش یافت. به این ترتیب طی این سالها بورس اوراق بهادار دوران فترت خود را آغاز کرد که تا پایان سال ۱۳۶۷ ادامه یافت. از سال۱۳۶۸ در چارچوب برنامه پنج‌ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تجدید فعالیت بورس اوراق بهادار تهران به عنوان زمینه‌ای برای اجرای سیاست خصوصی‌سازی، مورد توجه قرار گرفت.

بر این مبنا سیاستگذاران در نظر دارند، بورس اوراق بهادار با انتقال بعضی از وظایف دولتی به بخش خصوصی، جذب نقدینگی و گردآوری منابع پس‌اندازی پراکنده و هدایت آن به سوی مصارف سرمایه‌گذاری در تجهیز منابع توسعه اقتصادی و انگیزش مؤثر بخش خصوصی برای مشارکت فعالانه در فعالیتهای اقتصادی نقش مهم و اساسی داشته باشد. به هر حال، گرایش سیاستگذاریهای کلان اقتصادی برای استفاده از ساز وکار بورس، موجب افزایش قابل‌توجه تعداد شرکتهای پذیرفته شده و افزایش حجم فعالیت بورس تهران شد که بر این مبنا طی سالهای ۱۳۶۷ تا نیمه اول سال جاری تعداد بنگاههای اقتصادی پذیرفته شده در بورس تهران از ۵۶ شرکت به ۳۲۵ شرکت افزایش یافت. شرکتهای پذیرفته شده و شرکتهای فعال در بورس به دو دسته تقسیم می‌شوند: یکی شرکتهای تولیدی و دوم، شرکتهای سرمایه‌گذاری.

شرکتهای تولیدی معمولاً به تولید کالای خاصی اقدام می‌کنند و در گروه صنایع فعال در بورس قرار می‌گیرند و در سازمان بورس با نام شرکت و کد خاص خود، مشخص می‌شوند. شرکتهای سرمایه‌گذاری شرکتهایی هستند که به عنوان واسطه‌های مالی فعالیت می‌کنند. که این‌گونه شرکتها یا فعالیت تولیدی ندارند یا فعالیت آنها به گونه‌ای است که با کمکهای مالی از طریق خرید سهام شرکتهای تولیدی و صنعتی یا مجموعه‌ای از آنها به تولید و سرمایه‌گذاری این شرکتها اقدام می‌کنند.

۲. شرایط پذیرش سهام شرکتها در بورس

یکی از شرایط پذیرش سهام شرکتها در بورس، سهامی عام بودن آن شرکت است. هر فردی با خرید یک یا چند سهم از سهام یک شرکت سهامی، دارای حقوقی می‌شود که امکان نقض آن وجود ندارد. حقوقِ مالکیت سهم متعدد است و در موارد گوناگون قانون تجارت، یادآوری شده است. به طور کلی این حقوق به دو دسته حقوق مالی و غیرمالی تقسیم می‌شود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

۱-۲. حقوق مالی

حقوق مالی در مورد مالکیت سهام است نظیر حق سهیم‌شدن در سود، حق تقدم در خرید سهام جدید و حق سهیم‌شدن در دارایی شرکت. البته در بعضی مواقع حقوق مالی متفرقه نیز وجود دارد مانند حق مخالفت با افزایش تعهدات بدون رضایت سهامدار.

الف- حق سهیم شدن در سود شرکت: یکی از اهداف خریداران سهم یک شرکت، سهیم شدن در سود آن شرکت است. میزان سود هر سهامدار در مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تعیین می‌شود. منظور از سود، سود قابل‌تقسیم است که این موارد را دربر می‌گیرد:

سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای سالهای مالی پیش و اندوخته قانونی ($\frac{۱}{۲۰}$ سود خالص هر سال) و دیگر اندوخته‌های اختیاری، به علاوه سود قابل تقسیم سالهای پیشین که تقسیم نشده است. نوع پرداخت سود قابل‌تقسیم را مجمع عمومی تعیین می‌کند. اگر مجمع عمومی در این مورد تصمیمی نگرفته باشد، هیئت مدیره شرکت نوع پرداخت را تعیین خواهد کرد. اما در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید در مدت هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی درباره تقسیم سود انجام شود.

ب- حق تقدم در خرید سهام جدید شرکت: از آنجا که سهامداران یک شرکت خواهان حفظ حقوق و موقعیت خود در شرکت هستند انتظار دارند در هنگام افزایش سرمایه و انتشار سهام جدید از سوی شرکت، نسبت به دیگر خریداران اولویت داشته باشند. به همین دلیل، ابتدا شرکت به سهامداران پیشین خود پیشنهاد فروش سهام می‌کند. آنها نیز در استفاده یا صرف‌نظرکردن از این حق، مختار هستند. اما به دلیل اینکه قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت، با قیمت بازار سهام متفاوت است، سهامداران به‌طور معمول از این حق تقدم استفاده می‌کنند.

۲-۲. حقوق غیرمالی

حقوق غیرمالی مالکیت سهام چند نوع است مانند : حق رأی، حق انتقال سهام و حق اطلاع.

الف- حق رأی: مهم‌ترین حقی که سهامدار در شرکت دارد، حق رأی است. سهامداران با استفاده از حق رأی خود در مجامع عمومی، در امور شرکت مانند انتخاب اعضای هیئت مدیره و بازرسان شرکت، تغییرات سرمایه، تقسیم سود، تغییرات اساسنامه، انحلال شرکت و دیگر موارد، مشارکت می‌کنند. حق رأی سهامداران، نسبی است و هر کس تعداد سهام بیشتری داشته باشد، حق رأی بیشتری نیز خواهد داشت. حق رأی سهامدار می‌تواند از طریق اعطای وکالت نیز اعمال شود.

حق رأی به دو صورت ساده و تجمعی اعمال می‌شود. در رأی‌گیری ساده هر سهم یک رأی دارد. در این نوع رأی‌گیری، سهامداران اقلیت نمی‌توانند حتی یک عضو هیئت‌مدیره را انتخاب کنند و همه اعضای هیئت مدیره را سهامداران اکثریت برمی‌گزینند. برای رفع این مشکل از

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

روش رأی‌گیری تجمعی استفاده می‌شود. در این نوع رأی‌گیری، تعداد آرای هر رأی‌دهنده در تعداد مدیرانی که باید انتخاب شوند، ضرب شده و حق رأی برای هر رأی‌دهنده، برابر با حاصلضرب یادشده خواهد بود، در نتیجه رأی‌دهنده می‌تواند آرای خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفر تقسیم کند. به این ترتیب سهامداران اقلیت نیز می‌توانند در انتخاب هیئت مدیره تأثیرگذار باشند و نماینده‌ای در هیئت مدیره داشته باشند.

ب- حق واگذاری سهام: هر سهامدار، حق واگذاری و فروش سهام خود را به دیگری دارد. خرید یا فروش سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس از طریق مراجعه به هر یک از شرکتهای کارگزاری و تکمیل فرم دستور خرید یا فروش انجام می‌شود. انتقال سهام یک سهامدار در شرکتهای سهامی عام، نیازی به موافقت هیئت مدیره یا مجمع عمومی ندارد.

ج- حق اطلاع: حق اطلاع سهامداران از وضع شرکت، وسیله‌ای برای اجرای درست حق رأی است. هر سهامدار می‌تواند از ۱۵ روز پیش از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت، به صورتحسابها مراجعه کند و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد. با توجه به آنکه اساسنامه، نوعی قرارداد میان تأسیس‌کنندگان و سهامداران است، هر یک از سهامداران حق دارند نسخه‌ای از اساسنامه را دریافت کنند. در بعضی از موارد نیز شرکتها از طریق پست، انتشار اطلاعیه یا دعوتنامه در روزنامه‌های کثیرالانتشار، از سهامداران خود برای تشکیل مجامع عمومی عادی دعوت می‌کنند.

۳. تعهدات سهامدار

تنها تعهد یک سهامدار در شرکت سهامی، پرداخت مبلغ سهم است و اگر به این تعهدش عمل کند، به عنوان صاحب سهم تعهد دیگری ندارد. سهامدار هیچ‌گونه تعهد شخصی در برابر طلبکاران شرکت ندارد و اگر شرکت بنا به دلایلی قادر به پرداخت دیون خود نباشد، نمی‌توان به سهامداران رجوع کرد. در ضمن تعهدات سهامداران همان است که پذیرفته‌اند و نمی‌توان با تغییر اساسنامه تعهد جدیدی بر عهده آنها گذاشت یا تعهدات کنونی آنها را افزایش داد. در این زمینه قانون نیز به صراحت عنوان کرده است که هیچ مجمع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد و یا هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهم بیفزاید.

۴. عوامل مهم در انتخاب اوراق بهادار

سرمایه‌گذار با خرید یک سهام، ریسک را می‌پذیرد و بازده به دست می‌آورد. پس مهم‌ترین عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری برای خرید اوراق بهادار، بازده و ریسک آن در مقایسه با دیگر فرصتهای سرمایه‌گذاری است. به همین ترتیب، بازده ریسک هر سهم، قابل‌مقایسه با دیگر اوراق است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

به عبارتی، هدف سرمایه‌گذار منطقی این است که از بین اوراق بهادار،آن را انتخاب کند که از یکسو در صورت داشتن ریسک مساوی نسبت به اوراق دیگر بیشترین بازدهی را داشته باشد و از سوی دیگر در صورت داشتن بازده مساوی نسبت به سایر اوراق، کمترین ریسک را داشته باشد. با توجه به این امر، مواردی که می‌توانند در انتخاب یک ورقهٔ سهم، از بین اوراق سهام موجود مؤثر باشند از این قرار است، البته این موارد جنبه عام دارند، بنابراین ممکن است درجه اهمیت آنها با توجه به دیدگاهها و خط‌مشی سرمایه‌گذاران متفاوت باشد.

الف- قابلیت نقدینگی: قابلیت نقدینگی یک سهم به معنای امکان فروش سریع آن است. هر چه سهامی را بتوان سریع‌تر و با هزینه کمتری به فروش رساند، قابلیت نقدینگی آن بیشتر است. اوراق بهاداری که به‌صورت روزانه و چندین مرتبه معامله می‌شوند نسبت به اوراق بهاداری که با تعداد محدود و دفعات کمتری معامله می‌شوند قابلیت نقدینگی بیشتر و در نهایت ریسک کمتری دارند. فهرست ۵۰ شرکت فعال بورس که هر سه ماه یکبار منتشر می‌شود راهنمای مناسبی برای انتخاب سهامی است که از قابلیت نقدینگی برخوردارند.

ب- تعداد سهام در دست عموم: قابلیت نقدینگی یک سهم تا حدودی به تعداد سهامی که در دست مردم وجود دارد بستگی دارد. هر چه تعداد آن بیشتر باشد، حجم و سرعت گردش معاملات افزایش یافته و بازار، قیمت منصفانه و معقول‌تری برای آن می‌یابد و بر عکس هر چه تعداد سهام در دست مردم کمتر باشد، رکود بیشتری بر معاملات سهام حاکم شده است و در صورت معامله، قیمتها شکل یکسویه (صعودی یا نزولی) به خود می‌گیرد. تجربه شرکتهایی که تعداد سهام رایج آنها کم بوده مؤید این موضوع است.

ج- ترکیب سهامداران: یکی دیگر از معیارهای مطلوبیت یک سهم، ترکیب سهامداران آن است. ترکیب سهامداران که در واقع ترکیب هیئت مدیره آن را تعیین می‌کنند می‌تواند به نفع سهامداران جزء یا عمده باشد. در شرکتهایی که اعضای هیئت مدیره آن منتخب سهامداران عمده هستند ممکن است تصمیماتی اتخاذ شود که بیشتر در راستای اهداف سهامدار عمده باشد و در مواردی به نفع سهامدار جزء نباشد. چنین تصمیم‌هایی در بازارهای کارا اثر خود را به خوبی در قیمت سهام نشان می‌دهد و معمولاً تأثیر مهمی بر قیمت سهام نمی‌گذارد اما در بازارهای ناکارا که تا حدودی از شرایط بازار تأثیر می‌گیرد می‌تواند جهت تغییرات قیمت را یکسویه کند.

د- سودآوری: شاید مهم‌ترین عامل برتری یک سهم، میزان سودآوری آن باشد. با توجه به اینکه تعداد سهام منتشر شده از سوی شرکتها با هم متفاوت است میزان سودآوری یک سهم[1] را با استفاده از فرمول زیر می‌سنجند.

1. EPS

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

$$\text{سود هر سهم} = \frac{\text{مجموع سود خالص}}{\text{تعداد سهام منتشر شده شرکت}}$$

سود هر سهم، مبلغ سود به ازای ارزش اسمی سهام را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه ارزش اسمی سهام همه شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران ۱۰۰۰ ریالی بوده است و امکان دارد قیمت بازار انواع سهام متفاوت باشد برای مقایسه شرکتها با یکدیگر رقم سود نسبت به قیمت بازار با عنوان نسبت (E/P) سنجیده می‌شود.

$$\frac{\text{مجموع سود خالص}}{\text{قیمت بازار سهم}} = \frac{E}{P}$$

این نسبت بازده جاری سهام را نشان می‌دهد و در شرایط تساوی سایر عوامل، هر چه این نسبت بیشتر باشد سهام از موقعیت بهتری برخوردار خواهد بود.

لازم به یادآوری است هر چه میزان سود هر سهم در مقایسه با قیمت بازار سهام بیشتر باشد به دلیل تقاضایی که برای آن ایجاد می‌شود پیش‌بینی احتمال افزایش آتی قیمت بیشتر خواهد بود.

همچنین سهامداران در خرید سهام می‌توانند از نسبت قیمت بر درآمد با عنوان نسبت (E/P) نیز استفاده کنند که این نسبت بر مبنای مرتبه بیان می‌شود و هر چه رقم آن کمتر باشد بازدهی آن سهم بیشتر خواهد بود.

$$\frac{\text{قیمت بازاری هر سهم}}{\text{سود هر سهم}} = \frac{P}{E}$$

هـ- ثبات نسبی سودآوری: استناد به سود هر سهم در یک سال، مبنای درستی برای ارزیابی سهام نیست چرا که ممکن است سود سال بعد بسیار کمتر از آن باشد.

معیار مهم دیگری که به هنگام استفاده از نسبت بازده جاری سهام باید مورد توجه قرار داد، ثبات نسبی سودآوری هر سهم است. لازم به یادآوری است که هر چه میزان انحراف سودآوری سالهای گذشته یا سودهای احتمالی آینده نسبت به میانگین سود یا سود مورد پیش‌بینی بیشتر باشد ریسک سهم، بیشتر و ارزش آن کمتر خواهد بود و برعکس، هر چه روند سوددهی سالهای گذشته و آتی از ثبات بیشتری برخوردار باشد ریسک،کمتر و ارزش سهم بیشتر خواهد بود.

با توجه به اینکه سرمایه‌گذاران در ارزیابی سهام تا حدودی از ضریب قیمت به درآمد یکسانی در صنایع گوناگون استفاده می‌کنند در بین انواع اوراق بهاداری که با یک ضریب قیمت بر درآمد (P/E) یکسان ارزیابی شده‌اند، آن سهمی که از سودهای باثبات‌تری برخوردار است به این دلیل که ریسک کمتری دارد، مطلوب‌تر است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

و- نسبت سود تقسیمی هر سهم: نسبت سود تقسیمی هر سهم، از تقسیم سود نقدی هر سهم به سود هر سهم به دست می‌آید.

$$\text{نسبت سود تقسیمی هر سهم} = \frac{\text{سود نقدی هر سهم}}{\text{سود هر سهم}} = \frac{DPS}{EPS}$$

تفاوت سود نقدی هر سهم و سود هر سهم، مواردی نظیر مالیات، اندوخته قانونی، دیگر اندوخته‌ها و سود (زیان) انباشته را دربر می‌گیرد. اگر چه در نظریه، تفاوت بسیاری بین شرکتی که سود نسبتاً بالایی را تصویب می‌کند و شرکتی که سود کمی از درآمد خود را تقسیم می‌کند وجود ندارد، در عمل به دلیل شرایط حاکم بر بازار به ویژه از سوی افرادی که به درآمد سهام اتکای بیشتری دارند، عرضه سهام شرکتهایی که سود سهام کمی تعیین می‌کنند افزایش یافته و موجب کاهش قیمت آن سهم در بازار می‌شود. از این رو در شرایط تساوی دیگر عوامل، شرکتهایی که نسبت سود تقسیمی بیشتری را دارند نسبت به دیگر شرکتها از موقعیت بهتری برخوردارند.

لازم به یادآوری است که نباید این نسبت در کوتاه‌مدت مورد توجه قرار گیرد، به عبارتی ارقام یک سال را نمی‌توان مبنای درستی برای قضاوت نسبت به عملکرد همیشگی شرکت قرار داد. ممکن است سیاست شرکت در سالی اقتضا کند که نسبت سود تقسیمی بیشتری وضع شود اما در سال‌های دیگر، این نسبت میزان کمتری باشد. برای قضاوت درست در مورد سیاست تقسیم سود شرکت، باید روند تقسیم سود چند سال گذشته شرکت را مورد بررسی قرار داد و به استناد آنها نحوه تقسیم سود احتمالی سال‌های آتی را برآورد کرد.

ز- ارزش ویژه هر سهم: ارزش ویژه هر سهم از نسبت حقوق صاحبان سهام (سرمایه + اندوخته طرح و توسعه + اندوخته قانونی + اندوخته احتیاطی + سایر اندوخته‌ها + سود انباشته) به تعداد سهام منتشر شده به دست می‌آید و در مقایسه با ارزش اسمی هر سهم سنجیده می‌شود. هر چه ارزش ویژه هر سهم از قیمت اسمی سهام بیشتر باشد سهام آن شرکت از موقعیت و استحکام بیشتری برخوردار است.

ح- بافت مالی شرکت: بافت تأمین مالی که دربرگیرنده بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام است تأثیر به‌سزایی در عملکرد و سودآوری یک شرکت دارد. به دلیل خاصیت اهرمی بدهی، هرچه بدهی بیشتر باشد سودآوری نیز بیشتر خواهد بود اما خطر ناتوانی شرکت در ایفای تعهداتش نیز بیشتر می‌شود بنابراین ریسک شرکت نیز بیشتر خواهد بود.

ط- مهلت و تاریخ پرداخت سود سهام: طبق ماده ۲۴۰ قانون تجارت، در صورتی که مجمع عمومی عادی سودی را تصویب کند شرکت باید در مدت هشت ماه از تاریخ تصویب، آن را به سهامداران پرداخت کند. وجود این ماده قانونی، یک مهلت پرداخت هشت ماهه برای شرکتها به وجود می‌آورد، در جایگاه مقایسه هر چه سود نقدی هر سهم سریع‌تر پرداخت شود برای سهامداران

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

مفیدتر است زیرا مشمول تورم و کاهش ارزش پول نمی‌شود و سهامدار نیز می‌تواند وجوه خود را دوباره سرمایه‌گذاری کند و در برابر آن بازده به دست آورد. بنابراین در بین شرکتهایی که سود سهام نقدی اعلام می‌کنند آن شرکتی مطلوب‌تر است که سود سهام خود را سریع‌تر از دیگران می‌پردازد.

ی- انتشار مستمر اطلاعات و اخبار نسبی: در صورتی که شرکتها در ارائه اطلاعات شفاف مالی یا هرگونه اخبار در مورد وضع شرکت به سهامداران نهایت تلاش را داشته باشند، سهامداران با داشتن اطلاعات کافی می‌توانند اقدام به خرید و فروش سهام کنند.

ک- عمر شرکت و میزان استهلاک ماشین‌آلات: هر چه شرکتها از ماشین‌آلات جدید با فن‌آوری پیشرفته‌تر استفاده کنند در تولید موفق‌تر هستند و شرکتهایی که عمر ماشین‌آلات آنها پایان یافته یا آنکه استهلاک بیشتری دارند ممکن است طی سال به دلیل خرابی دستگاهها وقفه زمانی در تولید داشته باشند و نتوانند به تعهدات خود عمل کنند. واضح است که این امر در سودآوری شرکت بی‌تأثیر نخواهد بود.

ل- نوع شرکت و صنعت مربوط: در هر مقطع زمانی، با توجه به شرایط اقتصادی کشور و خط‌مشیِ اقتصاددانان، می‌توان شاهد تأثیرگذاری بر صنایع گوناگون بود. فعالیت اقتصادی شرکتهای تولیدی و صنعتی با توجه به تقاضای بازار برای کالای تولید شده می‌تواند در سودآوری آن نقش مهمی داشته باشد. برای مثال شرکتی که عرضه‌کننده انحصاری کالای ویژه‌ای به بازار باشد می‌تواند بر قیمت آن اعمال قدرت بیشتری کند و در نتیجه سود بیشتر این شرکت تضمین شده است. یا دولت می‌تواند برای حمایت از صنایع داخلی برای کالای مشابه خارجی تعرفه و حقوق گمرکی بیشتری وضع کند یا در مواردی ممنوعیت ورود آن را اعلام کند، در چنین حالتی تقاضا برای محصولات داخل حفظ شده یا افزایش پیدا می‌کند و در نهایت پیش‌بینی‌های فروش شرکت و سودآوری آن تحقق می‌یابد.

منابع

الف) فارسی

ایزدی، حسن (۱۳۸۳)، *اصول و فنون تشکیل سبد سهام*، تهران، مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران. سازمان بورس اوراق بهادار، واحد قزوین.

ب) سایت

سازمان بورس اوراق بهادار www.bours.ir

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]